

درس خارج فقه، مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۲ بهمن ۱۳۹۶

مصادف با: ۴ جمادی الاولی ۱۴۳۹

جلسه: ۴۹

موضوع کلی: فصل فی أفعال الوضوء

موضوع جزئی: الثالث: مسح الرأس

سال تحصیلی: ۹۶-۹۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

الثالث: مسح الرأس

الثالث: «مسح الرأس بما بقي من البلّة فی اليد و يجب أن يكون علی الربع المقدّم من الرأس، فلا یجزئ غیره»^۱.

بحث در سومین مورد از افعال وضو، یعنی مسح سر بود. عرض شد که به نظر مرحوم سید (ره)، سومین مورد از افعال وضو، مسح سر به وسیله رطوبتی است که در دست باقی مانده است و واجب است که مسح سر بر یک چهارم از سر که جلو سر است، باشد، پس مسح بر غیر آن کفایت نمی‌کند.

همچنین، عرض شد که دلیل وجوب مسح سر این است که بین مسلمانان در این رابطه اختلافی نیست و وجوب مسح سر را از ضروریات دین دانسته‌اند.

آیه شریفه «... وَ امْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَ اَرْجُلُكُمْ اِلَى الْكَعْبَيْنِ...»^۲ نیز بر وجوب مسح سر دلالت دارد.

و همچنین، عرض شد که معروف بین امامیه این است که مسح باید با رطوبت آب وضو انجام شود و مسح به آب غیر وضو [آب جدید] جایز نیست و فقط به ابن جنید اسکافی نسبت داده شده است که ایشان معتقد است که استفاده از آب غیر وضو برای مسح اشکالی ندارد، اما از آنچه در کلمات ابن جنید آمده است، معلوم می‌شود که نسبت مذکور به ایشان صحیح نیست.

روایاتی نیز وارد شده‌اند که بر مبنای مشهور [لزوم مسح بر جلو سر و لزوم آن مسح با رطوبت باقی مانده در دست] دلالت دارند. روایاتی که بیان‌گر وضوی پیامبر (ص) و معصومین (ع) می‌باشند، بر مسح سر و هر دو پا، با تری باقی مانده از آب وضو، تصریح دارند. این روایات در جلسات گذشته در بحث از شستن صورت و دست‌ها ذکر شدند.

به علاوه روایات دیگری نیز وارد شده‌اند که همین معنی از آنها برداشت می‌شود که مسح باید بر جلو سر و با رطوبت باقی مانده از آب وضو باشد که روایات ذیل از آن جمله‌اند:

روایت اول: عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع): «أَلَا أَحْكِي لَكُمْ وَضُوءَ رَسُولِ اللَّهِ (ص)؟» فَقُلْنَا: بَلَى... وَ مَسَحَ مَقْدَمَ رَأْسِهِ وَ ظَهَرَ قَدَمَيْهِ بِبِلَّةٍ يَسَارِهِ وَ بَقِيَّةِ بِلَّةٍ يُمْنَاهُ...^۳

روایت دوم: عَنْ زُرَّارَةَ وَ بُكَيْرٍ أَنَّهُمَا سَأَلَا أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنْ وَضُوءِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)؛ فَدَعَا بِطَشْتٍ أَوْ تَوْرٍ فِيهِ مَاءٌ... ثُمَّ مَسَحَ رَأْسَهُ وَ قَدَمَيْهِ بِبَلَلٍ كَفَّهُ لَمْ يُحْدِثْ لَهُمَا مَاءً جَدِيداً...^۴

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۸.

۲. «المائدة»: ۶.

۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۱۵، ص ۳۸۷، ح ۲.

۴. همان، ص ۳۸۸، ح ۳.

روایت سوم: عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: «لَمَّا أُسْرِى بِي إِلَى السَّمَاءِ...» ثُمَّ امْسَحَ رَأْسَكَ بِفَضْلِ مَا بَقِيَ فِي يَدِكَ مِنَ الْمَاءِ وَرِجْلَيْكَ إِلَى كَعْبَيْكَ...^۱

روایت چهارم: عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مَالِكِ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «مَنْ نَسِيَ مَسْحَ رَأْسِهِ ثُمَّ ذَكَرَ أَنَّهُ لَمْ يَمْسَحْ رَأْسَهُ فَإِنْ كَانَ فِي لِحْيَتِهِ بَلَلٌ فَلْيَأْخُذْ مِنْهُ وَلْيَمْسَحْ رَأْسَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِي لِحْيَتِهِ بَلَلٌ فَلْيَنْصَرِفْ وَلْيُعِدِ الْوُضُوءَ».^۲

چهار روایت مذکور، بر این دلالت دارند که مسح سر و پاها باید با باقی مانده آب وضو انجام شود لذا تا دلیلی بر خلاف روایات مذکور، وجود نداشته باشد بر طبق این روایات عمل می شود و به وجوب مسح با باقی مانده آب وضو حکم می شود.

غیر از روایات مذکور، روایاتی وجود دارند که روایات اهتمام داشته اند که خصوصیات و حالات پیامبر (ص) و ائمه (ع) را در هنگام وضو گرفتن، نقل کنند، اما آنچه به طور متواتر نقل شده و بر آن تکیه شده است، این است که پیامبر (ص) و ائمه (ع) در هنگام مسح سر و پاها از آب غیر وضو [آب جدید] استفاده نمی کرده اند که روایات ذیل به این مطلب اشاره دارند:

روایت اول: عَنْ زُرَّارَةَ؛ قَالَ: حَكَى لَنَا أَبُو جَعْفَرٍ (ع) وَضُوءَ رَسُولِ اللَّهِ (ص)... ثُمَّ مَسَحَ بِمَا بَقِيَ فِي يَدِهِ رَأْسَهُ وَرِجْلَيْهِ وَلَمْ يُعِدْهُمَا فِي الْإِنَاءِ.^۳

روایت مذکور، بر این دلالت دارد که پیامبر (ص) به منظور مسح کردن، دستان خود را به آب بر نمی گرداند.

روایت دوم: عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ بُكَيْرٍ وَ زُرَّارَةَ ابْنِ أَعْيَنَ؛ أَنَّهُمَا سَأَلَا أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنْ وَضُوءِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)... ثُمَّ مَسَحَ رَأْسَهُ وَقَدَمَيْهِ إِلَى الْكَعْبَيْنِ بِفَضْلِ كَفِّهِ لَمْ يُجَدِّدْ مَاءً.^۴

در روایت مذکور، آمده است که پیامبر (ص) برای مسح کردن، آب را تجدید نمی کرد [، بلکه با همان آب وضو، مسح را انجام می داد].

روایات مذکور، کاشف از اهتمام معصومین (ع) به این جهت بوده است که مبدا شخص در مسح کردن بخواهد از آب غیر وضو استفاده کند.

روایت سوم: عَنْ زُرَّارَةَ؛ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع): «إِنَّ اللَّهَ وَتَرُّ يُحِبُّ الْوَتْرَ فَقَدْ يُجْزِيكَ مِنَ الْوُضُوءِ ثَلَاثُ غُرَفَاتٍ؛ وَاحِدَةً لِلْوَجْهِ وَاثْنَتَانِ لِلذَّرَاعَيْنِ وَتَمْسَحُ بِيَلَّةٍ يُمْنَاكَ نَاصِيَتِكَ وَ مَا بَقِيَ مِنْ بِلَّةٍ يُمْنَاكَ ظَهْرَ قَدَمِكَ الْيُمْنَى وَ تَمْسَحُ بِيَلَّةٍ يُسْرَاكَ ظَهْرَ قَدَمِكَ الْيُسْرَى».^۵

زراره در روایت صحیح مذکور از امام باقر (ع) نقل کرده است که آن حضرت (ع) فرمود که خداوند تک است و کار تک را نیز دوست دارد، پس سه کف آب تو را از وضو کفایت می کند؛ اولی برای [شستن] صورت و دو کف دیگر برای [شستن] دست راست و دست چپ [کف چهارمی برای مسح در روایت نیامده است]، پس با رطوبت دست راست بر جلو سر مسح می کنی و با آنچه از تری دست راست باقی مانده است پشت پای راست را مسح می کنی و با رطوبت دست چپ پشت پای چپ را مسح می کنی.

۱. همان، ص ۳۹۰، ح ۵.

۲. همان، باب ۲۱، ص ۴۰۹، ح ۷.

۳. همان، باب ۱۵، ص ۳۹۰، ح ۶.

۴. همان، ص ۳۹۲، ح ۱۱.

۵. همان، باب ۳۱، ص ۴۳۶، ح ۲.

جمله خبریه «وَتَمْسَحُ بِيَلِّهِ يُمْنَاكَ نَاصِيَّتَكَ وَ مَا بَقِيَ مِنْ بِلَّةٍ يُمْنَاكَ ظَهَرَ قَدَمِكَ الْيُمْنَى وَ تَمْسَحُ بِيَلِّهِ يُسْرَاكَ ظَهَرَ قَدَمِكَ الْيُسْرَى» در مقام انشاء به کار رفته است لذا بر وجوب دلالت دارد، بنابراین، «تمسح» به معنای «امسح» است لذا واجب است مسح سر با رطوبت دست راست و مسح پای راست با باقی مانده رطوبت دست راست و مسح پای چپ با رطوبت دست چپ انجام شود.

اشکال به استدلال به روایت سوم

گفته اند که احتمال دارد که جمله «و تَمْسَحُ...» بر فاعل «یجزئک» که «ثلاث غرفات» است، عطف شده باشد، یعنی «تمسح» به مصدر تأویل شود تا بتواند عطف شود؛ به این معنی که همان طور که سه کف آب برای وضو گرفتن برای تو کفایت می کند، مسح سر با رطوبت دست راست کفایت می کند و مسح پای راست نیز با باقی مانده رطوبت دست راست و مسح پای چپ نیز با رطوبت دست چپ کفایت می کند. بنابراین، اگر «تمسح» بر فاعل «یجزئک» عطف شود، مسح با رطوبت دست، در مقام امتثال، مجزی است و مجزی بودن، شیء و وجوب، شیء آخر، بنابراین، در صورتی که «تمسح» بر فاعل «یجزئک» عطف شود، بر وجوب دلالت نخواهد کرد که مسح حتماً باید با رطوبت باقی مانده در دست انجام شود.

پاسخ از اشکال مذکور

اصل، عدم اضمار و تقدیر است و تقدیر و اضمار، خلاف اصل است بنابراین، با توجه به اینکه «تمسح» نمی تواند بر فاعل «یجزئک» عطف شود مگر اینکه «تمسح» به مصدر تأویل برده شود و گفته شود که «یجزئک المسح» و اصل عدم تقدیر و تأویل است، این تأویل صحیح نیست و با توجه به اینکه جمله خبریه «وَتَمْسَحُ بِيَلِّهِ يُمْنَاكَ نَاصِيَّتَكَ وَ مَا بَقِيَ مِنْ بِلَّةٍ يُمْنَاكَ ظَهَرَ قَدَمِكَ الْيُمْنَى وَ تَمْسَحُ بِيَلِّهِ يُسْرَاكَ ظَهَرَ قَدَمِكَ الْيُسْرَى» در مقام انشاء است لذا بر وجوب دلالت دارد بنابراین، واجب است که مسح سر و پاها با رطوبت باقی مانده در دست باشد.

روایات دال بر جواز مسح با آب غیر وضو

روایاتی نیز وارد شده اند که بر این دلالت دارند که برای مسح سر و پاها می توان از آب جدید استفاده شود که این روایت دو طایفه اند:

طایفه اول، روایاتی هستند که بر این دلالت دارند که مسح باید با آب جدید [آب غیر وضو] انجام شود و مسح به رطوبت باقی مانده از آب وضو مجزی نیست. روایات ذیل از جمله این روایاتند:

روایت اول: عَنْ أَبِي بَصِيرٍ؛ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ مَسْحِ الرَّأْسِ؛ قُلْتُ أُمْسَحُ (بِمَا عَلَى يَدِي) مِنَ النَّدَى رَأْسِي؟ قَالَ: «لَا بَلْ تَضَعُ يَدَكَ فِي الْمَاءِ ثُمَّ تَمْسَحُ»^۱.

امام صادق (ع) در روایت مذکور، فرموده است که دستت را در آب فرو می بری و سپس مسح می کنی.

روایت دوم: عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ؛ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (ع) أَيْ جُزِيَ الرَّجُلُ أَنْ يَمْسَحَ قَدَمَيْهِ بِفَضْلِ رَأْسِهِ؟ فَقَالَ بِرَأْسِهِ: «لَا»؛ فَقُلْتُ: أَمْ بِمَاءٍ جَدِيدٍ؟ فَقَالَ بِرَأْسِهِ: «نَعَمْ»^۲.

۱. همان، باب ۲۱، ص ۴۰۸، ح ۴.

۲. همان، ص ۴۰۹، ح ۵.

معمر بن خلّاد در روایت مذکور از امام کاظم (ع) یا امام رضا (ع) سؤال کرده است که آیا شخص می‌تواند با رطوبتی که از مسح سر اضافه آمده است، پاهای خود را مسح کند؟ آن حضرت (ع) با اشاره سر فرمود که نه، معمر گفت که باید با آب جدید مسح کند؟ آن حضرت (ع) با اشاره سر فرمود که بله.

روایت سوم: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عُمَارَةَ بْنِ أَبِي عُمَارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (ع) أَمْسَحُ رَأْسِي بِبِلَلٍ يَدِي؟ قَالَ: «خُذْ لِرَأْسِكَ مَاءً جَدِيداً»^۱.

پاسخ از طایفه اول روایات دال بر لزوم مسح با آب جدید

اولاً: به نظر می‌رسد که این طایفه از روایات مخالف ضرورتی است که شیعه به آن معتقد است چون شیعه معتقد است که مسح باید با رطوبت باقی‌مانده از آب وضو باشد ولی این طایفه از روایات بر مسح با آب جدید دلالت دارند.

ثانیاً: این طایفه از روایات با اخبار متواتره‌ای که بر مسح با رطوبت باقی‌مانده از آب وضو دلالت دارند، معارضند.

ثالثاً: این طایفه از روایات بر تقیه حمل می‌شوند چون بسیاری از مواقع امام (ع)، برای عدم شناسایی سؤال‌کننده، پاسخی را ارائه می‌کرده است که با مذهب عامه موافق باشد.

اشکال: روایت دوم [روایت صحیح معمر بن خلّاد] را نمی‌توان بر تقیه حمل کرد زیرا در این روایت به مسح دو پا امر شده است و این با حمل بر تقیه سازگار نیست چون اگر امام (ع) می‌خواست طبق مذهب عامه به سائل پاسخ دهد، تعبیر مسح را در رابطه با پاها به کار نمی‌برد زیرا عامه پاها را مسح نمی‌کنند، بلکه پاها را می‌شویند بنابراین، این روایت مطابق با مذهب شیعه است.

پاسخ: اولاً: مسح در روایت معمر بن خلّاد بر غسل حمل شود چون عامه حمل مسح بر غسل را جایز می‌دانند.

ثانیاً: مسح بر مواردی که نزد عامه مسح در آن موارد جایز است، مثل مسح بر خفّین [مسح بر کفش و جوراب] حمل می‌شود.

ثالثاً: همه عامه فتوای به غسل پاها [در وضو] را نداده‌اند، بلکه بعضی از عامه به مسح پاها فتوا داده‌اند.

گفته‌اند که رؤسای مذاهب چهارگانه عامه غیر از مذهب شافعی، قائل به غسل پاها در وضویند و سایر علمای عامه که معاصر ائمه معصومین (ع) بوده‌اند قائل به تخییر بین غسل و مسح پاها بوده‌اند و به وجوب غسل پاها قائل نبوده‌اند.

بنابراین، روایت مذکور نیز موافق عامه بوده است و بر تقیه حمل می‌شود.

نتیجه، اینکه با توجه به مطالبی که ذکر شد، طایفه اول از روایات دال بر مسح با آب جدید، بر تقیه حمل می‌شوند، در نتیجه، مسح سر و پاها باید با رطوبت باقی‌مانده از آب وضو باشد.

بحث جلسه آینده: طایفه دوم از روایات دال بر مسح با آب جدید، ان‌شاءالله، در جلسه آینده ذکر خواهند شد.

«الحمد لله رب العالمین»